فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۴۰۳- صفحات ۴۹۰-۴۷۱

درآمدی به عدالت توزیعی در قرآن

نوع مقاله: پژوهشی

سید هادی عربی[۱]
جواد ارباب[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۸

چکیده

شئون گوناگون عدالت گستره حیات اجتماعی بشری را در بر می گیرد؛ برپایی عدالت به عنوان یکی از برنامه های محوری الهی برای رشد و تکامل اجتماعی در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. فصل مهمی از عدالت اجتماعی را «عدالت اقتصادی» تشکیل می دهد. عدالت موهبتی الهی است ساختار و شاکله مفهومی آن آموزه های قرآن کریم قابل رهیابی است؛ پژوهش حاضر پس از بیان مفهوم رایج «عدالت اقتصادی»، مباحث مفهومی و مسائل جانبی آن را از دیدگاه قرآن کریم مورد بررسی قرار می دهد. عدالت اقتصادی در قرآن کریم در دو محور اساسی قابل تقسیم است. «عدالت مبتنی بر حقوق» بعنوان «امری مطلوب» که بر این اساس خدای متعال از انسان ها اوامر خاصی را طلب می کند و «عدالت سیستمی» در مفهوم وجودی بعنوان وصفی برای نظام هستی و خلقت، وجود قوام و هماهنگی در نظام آفرینش بکار رفته است. نحوه برخورد عادلانه با منابع طبیعی، تقسیم مناصب و موقعیت ها، عدالت در قراردادها، بازار و عوامل تولید، رابطه عدالت و مصلحت، نابرابری و چگونگی برخورداری از امکانات اولیه از جمله مباحثی است که در این مقاله از منظر آموزه های قرآنی بدان پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: عدالت اقتصادی، عدالت در قرآن، توزیع امکانات، عدالت و نابرابری
طبقه بندی JEL: D63,R1 ,R13,Z12,R12,D30

۱. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه قم (نویسنده مسئول) sh.arabi@qom.ac.ir
۲. دکتری اقتصاد اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه javadarbab@rihu.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

مقدمه

پرسش از قرآن کریم برای یافتن جامع ترین و صحیح ترین پاسخ ها از بهترین مسیرها برای دست یابی به حقیقت و مصون ماندن از خطاهاست. به بیان قرآن کریم « إِنَّ هذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ[۱] » (اسرا: ۹)؛ بدون شک اهمیت نگرش قرآن کریم به عدالت اقتصادی قابل چشم پوشی نیست چرا که کلام خدای متعال فصل الخطاب، مصون از خطا و گشاینده درهای وحی الهی برای خروج انسان از ضلالت به علم و نور است؛ امیرالمؤمنین علی علیه السلام به صراحت جوینده عدالت را به قرآن کریم رهنمون ساخته و فرموده اند: « فَهُوَ مَعْدِنُ الْإِيمَانِ وَ بُحْبُوحَتُهُ وَ يَنَابِيعُ الْعِلْمِ وَ بُحُورُهُ وَ **رِيَاضُ الْعَدْلِ** وَ غُدْرَانُهُ وَ أَثَافِيُّ الْإِسْلَامِ وَ بُنْيَانُهُ وَ أَوْدِيَةُ الْحَقِّ وَ غِيطَانُهُ. وَ بَحْرٌ لَايَنْزِفُهُ الْمُسْتَنْزِفُونَ وَ عُيُونٌ لَا يُنْضِبُهَا الْمَاتِحُونَ [۲]» (نهج البلاغه؛ نامه ۳۱).

اتخاذ مبانی، اصول و ارزشگذاری در مسیر تعریف مفهوم دقیق عدالت، امری نیست که بتوان با بنیان های لغزان و حدس و گمان آن را دنبال کرد. تفاوت رویکردها آثار خارجی خود را در فرایندها و نتایج نهایی سیاست های اتخاذ شده به وضوح پدیدار می سازد. به ویژه آنکه گسترش دامنه استعمال عدالت و استفاده کاربردی آن در ساحات زندگی بشری، موجب توسعه کاربردی این معانی در حوزه های حیات اجتماعی شده است؛ حوزه اقتصادی نیز از این امر مستثنی نیست.

مقدمات فوق گویای لزوم مراجعه به قرآن کریم به عنوان آخرین، جامع ترین منبع وحیانی برای درک حدود و صغور عدالت اقتصادی است. کتابی که آموزه های آن همواره از اهمیت خاصی در نزد سایر ادیان و اندیشمندان جهان برخوردار بوده است و حجت را بر همگان تمام می کند. پژوهش حاضر در راستای کشف مفهوم «عدالت اقتصادی» از منظر قرآن کریم است که تلاش کرده است با استفاده و غور در آیات شریفه قرآن و بیان ارتباط معنایی عدالت مد نظر قرآن کریم با مباحث اقتصادی به تبیین مفهوم عدالت اقتصادی از نگاه قرآن کریم بپردازد.

۱. پیشینه

الگوی توسعه‌یافتگی، همچون مدینه فاضله در عصر کنونی تمام تلاش‌های دولت‌ها را به خود معطوف داشته تا هر روز خود را به آن نزدیک‌تر سازند و شباهت بیشتری با جوامع توسعه‌یافته پیدا کنند. اما ناکامی پارساییان (۱۴۰۰) در مقاله ای با عنوان «رابطه توسعه اقتصادی و عدالت اقتصادی از منظر قرآن» به ناکامی بیشتر کشورهای توسعه‌یافته در دست‌یابی به توسعه و بروز پیامدهایی از قبیل

---

۱. « بی‌تردید این قرآن به استوارترین آیین هدایت‌می‌کند ...»

۲. قرآن، معدن ایمان و اصل آن است، چشمه های دانش و دریاهای علوم است، سرچشمه عدالت، و نهر جاری دل است، پایه های اسلام و ستون های محکم آن است، نهرهای جاری زلال حقیقت، و سرزمین های آن است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

شکاف‌های طبقاتی، فساد، بی‌عدالتی، زوال ارزش‌های انسانی، تعارضات فرهنگی و کاهش معنویت موجب طرح نظریات جدید و اختلافی در عرصه توسعه به ویژه پیرامون نسبت عدالت و توسعه اشاره می کند. وی توسعه اقتصادی در اسلام مبتنی بر مبانی و ارزش‌های وحیانی را علی‌رغم وجود اشتراکاتی با فرآیند توسعه در غرب، به‌جهت تفاوت در مبانی، فرهنگ و اهداف، مسیری مجزا معرفی می کند. در این تحقیق پس از بررسی مفهوم توسعه و عدالت اقتصادی در قرآن کریم، بیان می شود که این دو مفهوم انطباق زیادی بر یکدیگر دارد و در واقع می‌توان گفت که توسعه‌یافتگی همان راهیابی به‌سوی عدالت اجتماعی است و هر دو در الگوی رفتاری خلیفه الهی به وحدت می‌رسند. عدالت و توسعه، هر دو هدف نهایی اقتصاد اسلامی و زمینه‌ساز یکدیگر هستند و بدون هم کارایی ندارند. همچنین عدالت اقتصادی در محورهای بهره‌وری از منابع و فرصت‌ها، توسعه انسانی، جریان تولید و مصرف، عرصه معاملات و بازتوزیع، افزایش امنیت و اعتماد اقتصادی و بازدهی مضاعف بر یکدیگر اثر می گذارند.

رجایی (۱۳۹۹) در مقاله « الگوی توزیع درآمد و ثروت از منظر تفسیر قرآن»، با استفاده از روش استنباط نظریه، به معرفی الگوی توزیع درآمد و ثروت است تا مسیر کسب درآمد اولیه، ثانویه و نحوه توزیع آن را از دیدگاه قرآنی نشان می‌پردازد. از دیدگاه وی الگوی توزیع درآمد و ثروت از منظر قرآن کریم به مجموعه نظام‌مندی از مبانی و زیرساخت‌ها مانند: مالکیت حقیقی خدای متعال بر هستی، جانشینی انسان و امانت بودن مال در دست او؛ اهداف معنویت، عدالت و رشد؛ فروض و راهبردهایی چون عبادت بودن کار، ممنوعیت کنز و اسراف؛ و ساختارها و نهادهایی چون خانواده، دولت و عموم مسلمین گفته می‌شود که در ساختاری منطقی، بر پایه مبانی، اصول و در چارچوب حقوق و اخلاق قرآنی، نقشه جامعی را از مبانی تا تقسیم درآمد و ثروت از مجراهای مختلف در پیکره جامعه از منظر تبیین آیات قرآن کریم ارائه می‌کند.

محمدنژادچاوشی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه خود با موضوع « وسعت معنایی عدالت در قرآن » با جستجو در آیات قرآن کریم، تلاش در تبیین معنای عدالت ارزیابی سایر تعاریف موجود داشته اند. بررسی‌ها آنها نشانگر آن است که تعریف عدالت، به عنوان وصف و یا به‌عنوان یک رفتار، بستگی به موصوف یا متعلقی دارد که عدالت وصف و یا متعلق آن قرار می‌گیرد. بر این اساس عدالت در قرآن به معانی: رعایت تساوی، رعایت استحقاق و اهلیت، صداقت یا عمل مطابق با واقع، رعایت انصاف در صلح و آشتی دادن در چارچوب قوانین الهی، دوری از افراط و تفریط، قرار گرفتن هر چیز در جایگاه مناسب، رعایت مصالح و مفاسد واقعی و رعایت قانون حق آمده است.

سیدنورانی و خاندوزی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان « نظامنامه حقوق اقتصادی در قرآن کریم»، با توجه به تشتت مبانی نظری و ارزشی حقـوق اقتصـادی، معتبرتـرین راه بـرای نظـام اسلامی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

را تدوین فهرست حقوق اجتماعی ـ اقتصادی مبتنی بر قرآن کریم و سنت معرفی می کنند. در این پژوهش تلاش شده است تا با یک قرآنپژوهی تفصیلی، حقوق اقتصـادی منـدرج در قرآن کریم شناسایی شود. یکی از نتایج اصلی ارائه شده آن است عدالت اقتصادی در قرآن کریم، ماهیتی بسیار فراتر از نظریه های متعارف عدالت اقتصادی دارد.

هر چند در خصوص کلیات فحص از مفهوم عدالت در قرآن کریم می توان در پژوهش‌های مذکور و سایر آثار مشابه موارد مشترکی با آنچه به عنوان مقدمه در مقاله حاضر آمده یافت، اما پرداختن به مباحث کاربردی ناظر به مصادیق عدالت اقتصادی و مسائل مرتبط با آن مانند منشأ حقوق، حقوق سلبی و ایجابی، عدالت و مصلحت از منظر قرآن کریم از ابتکارات و خصوصیاتی مقاله حاضر است.

۲. عدالت اقتصادی

بررسی لغوی ریشهٔ عدل، مفاهیم اساسی چون ضد جور، میانه روی، حد وسط، قرار گرفتن در موضع خود را نشان می دهد؛ به علاوه متناسب با استعمالات گوناگون، عدل را می توان در معانی متعدد دیگری چون انسان صالح، معیار سنجش حق، کیل، جزاء، فریضه، نافله و استقامت یافت (فراهیدی:۱۴۱۰، ج۲، ص: ۳۸؛ صاحب بن عباد:۱۴۱۴،ج۱، ص:۴۲۲، جوهری:۱۴۱۰، ج۵ ،ص ۱۷۶۰؛ ابن فارس:۱۴۰۴،ج۴،ص ۲۴۶)؛ علاوه بر معنای لغوی که بیانگر معنای کلمه در عرف عام است، معانی اصطلاحی دیگری برای آن به عنوان مفهوم رایج در عرف خاص وجود دارد. از این رو براساس اینکه کدام گروه و عرف خاص مد نظر قرار گیرد، معانی اصطلاحی متفاوت می شود؛ عدالت در معانی اصطلاحی کلام، فقه و اخلاق با مفاهیم گوناگونی بیان می شود.

عدل در علم کلام و در نزد متکلمین، غالبا به عنوان یکی از صفات ثبوتیه خدای سبحان به کار رفته و بدین معنا است که خداوند هر موجودی را بر جای شایسته خود نشانده و وجود و کمال بایسته را بدو عطا کرده است (فرهنگ شیعه:۱۳۸۶، ص۳۳۶) و در نزد فقهاء اصطلاحا به ملکه و صفت راسخه ای در نفس انسان اطلاق می شود که وی را به ملازمت تقوی، مروّت، جوانمردی و نیز عدم مفارقت از این حالت نفسانی تحریک نموده و البته با ارتکاب گناهان کبیره، و اصرار بر انجام گناهان صغیره، زایل می‌شود(حلی، ج۲: ۳۸۴). عدل در اصطلاح علم اخلاق، به تعدیل و وجود حد وسط بین افراط و تفریط میان جمیع قوای انسانی اعم از باطنیّه، ظاهریّه، روحیّه و نفسیّه تعبیر می شود که از فضایل بزرگ انسانیّت است(خمینی:۱۳۸۷، ۱۴۸-۱۵۲)؛

برای روشن شدن مفهوم اصطلاحی عدالت اقتصادی و جایگاه آن نسبت به مفهوم کلی عدالت تفکیک میان عدالت جبرانی ، رویه ای و توزیعی راهگشا خواهد بود:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

۱- عدالت جبرانی یا تصحیحی: در اینجا عدالت بدنبال بازگرداندن یا تصحیح امری است که بدلیل اعمالی مانند دزدی یا غبن آسیب دیده است. لذا با مجازات یا مطالبه خسارت می خواهد خسارت را جبران کند.

۲- عدالت رویه ای: عدالت در اینجا به مثابه اصلی است که بر توافقات ، پیمان ها، مراحل دادرسی و رویه های اجتماعی و نهادی حاکم است و مشروع و منصفانه را از نامشروع و غیر منصفانه متمایز می کند.

۳- عدالت توزیعی: عدالت در این قسمت اصل و معیاری است که بر توزیع نعمت ها و نقمت ها، مواهب و ناملایمات اجتماعی حاکم است. در اینجا مساله این است که توزیع مواهب و تکالیف اجتماعی چگونه باید باشد (عربی, ۱۳۹۵, ص. ۲-۵)[۱].

اصول و معیارهای توزیع با توجه به ماهیت مواهبی که قرار است توزیع شود صورت های مختلفی می یابد. اگر مواهب مورد نظر اقتصادی باشد مانند درآمد، ثروت، امتیازات مالیاتی، اصول و معیارهای مذکور معیارهای عدالت اقتصادی خواهند بود. اگر مواهب سیاسی باشد مانند آزادی، حق رای، و ... آن اصول بیانگر معیارهای عدالت سیاسی است. به همین ترتیب می توان از عدالت حقوقی و اجتماعی نیز نام برد. از آنجا که مواهبی مانند آموزش ، بهداشت ، تغذیه مناسب و ... بر میزان درآمد و دارائی افراد تاثیر بسزایی دارد، امروزه عدالت اقتصادی صرفا به توزیع مواهب اقتصادی محدود نمی شود و لذا به نوعی عدالت اقتصادی – اجتماعی مد نظر قرار می گیرد. در این نوشته نیز عدالت اقتصادی به توزیع منصفانه و عادلانه مواهب اجتماعی (و نه صرفا مواهب اقتصادی) بین مردم اشاره می کند.

هر نظام اقتصادی بدنبال اهدافی مانند رشد مناسب تولید، ثبات قیمت ها، اشتغال کامل و ... است، در عین حال، یکی از مهم ترین مباحث مربوط به عدالت اقتصادی معیار یا معیارهای توزیع عادلانه است و بسیاری از مباحثات و منازعات جدی پیرامون عدالت به همین جنبه برمی گردد. به عبارت دیگر از منظر عدالت در توزیع مواهب اجتماعی چه عواملی مربوط تلقی می شود و باید مد نظر قرار گیرد و چه عواملی نامربوط شناخته می شود و نباید لحاظ شود. از آنجا که دغدغه عدالت و به‌ویژه عدالت اقتصادی – اجتماعی از دیرباز همواره مورد توجه بشر بوده است مباحث عدالت سابقه ای به فراخی تاریخ بشر یافته است و در این مسیر مکاتب مختلفی در باب عدالت ظهور یافته است. پیچیدگی مباحث و ذوابعاد بودن موضوع عدالت از یک طرف و دیرپایی این دغدغه و مباحث پیرامون آن در فراخنای تاریخ تمدن بشری از طرف دیگر به ظهور اندیشه ها و دیدگاه های متعدد و متفاوتی

---

۱. در عدالت توزیعی هم مواهب مانند درآمد ، آموزش و... مد نظر است و هم تکالیفی مانند مالیات . البته معمولا در مباحث فقط از مواهب نام برده می‌شود. ما نیز در اینجا فقط بر مواهب تمرکز خواهیم کرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

انجامیده است که به واقع حتی ارائه طبقه بندی منسجم ، قابل قبول و توافق از آنها نیز بسیار دشوار است.

برابری گرایی، لیبرالیسم فایده گرا، لیبرالیسم قراردادگرا، لیبرترینیسم یا لیبرالیسم اختیارگرا و جامعه گرایی از جمله مهمترین دیدگاه ها در باب عدالت هستند. برابری گرایان اساس و گوهر عدالت را در برابری می دانند اما در اینکه برابری در چه چیزی عدالت اقتصادی- اجتماعی را محقق می سازد، متفاوتند. برابری در منابع، رفاه، فرصت برای رفاه و توانمندی ها مهمترین دیدگاه های برابری گرایان را منعکس می کند. لیبرالیسم دیدگاه پرنفوذی است که به شکل های مختلفی ظهور یافته است. فایده گرایی یا همان مکتب اصالت فایده یکی از با سابقه ترین دیدگاه‌های لیبرالی است. این دیدگاه عدالت را ارزش مستقلی نمی شمارد و معتقد است وضعیتی که بطور کلی (صرفنظر از نحوه توزیع) بیشترین فایده را در جامعه ایجاد کند، عادلانه است. لیبرالیسم قراردادگرا وضعیت عادلانه را بر نوعی قرارداد اجتماعی مبتنی می داند. تاثیرگذارترین مدافع این دیدگاه در چند دهه گذشته جان رالز است. دو اصل عدالت وی بسیار مشهور است که اصل اول وی برابری در آزادی های اساسی را منعکس می کند و دراصل دوم نابرابری های اقتصادی- اجتماعی را تا جایی مجاز می داند که الف) در مواردی باشد که ورود به آنها برای همه افراد آزاد بوده است و ب) نابرابری ها برای محروم ترین افراد بیشترین نفع را ایجاد کرده باشد. لیبرالیسم اختیارگرا یا لیبرترین که در مقابل دیدگاه دولت رفاه لیبرالی در قرن بیستم ظهور یافت. مدافعان این دیدگاه مدعیات و استدلال های یکسانی ندارند اما همه آنها به نوعی ایده بازگشت به لیبرالیسم کلاسیک قرن نوزدهم را ترویج و از نظام بازار آزاد و دولت کوچک حداقلی بشدت دفاع می کنند. در این دیدگاه توزیعی که در نتیجه فعالیت آزاد افراد در بازار آزاد رقابتی بوجود آمده است عادلانه است و تنها فعالیت های غیر اختیاری همراه با زور و اجبار، فریب و تقلب ناعادلانه محسوب می شود. این دیدگاه با هر نوع اقدام بازتوزیعی دولت به نفع اقشار فقیر و کم درآمد مخالف است و تنها اقدام باز توزیعی موجه را کمک های داوطلبانه و اختیاری افراد می داند. جامعه گرایان نیز مجموعه ای از دیدگاه ها را در برمی گیرد که شاید نقطه مشترک آنها مخالفت با لیبرالیسم باشد (عربی، ۱۳۹۵، و استربا، ۱۹۹۲).

۳. عدالت اقتصادی در قرآن کریم

عدالت اقتصادی در قرآن کریم را می توان در دو محور اساسی تقسیم کرد. نخست تعابیر متعددی از عدالت ورزی که بعنوان «امری مطلوب» بکار رفته است و خدای متعال از انسان ها آن را طلب می کند و دوم عدالتی است که در مفهوم وجودی بعنوان وصفی برای نظام هستی و خلقت، وجود قوام و هماهنگی در نظام آفرینش بکار رفته است. از دسته نخست می توان به «عدالت مبتنی بر حقوق» و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

از دسته دوم با عبارت «عدالت سیستمی» تعبیر کرد که در ادامه به بیان هر یک از آنها بر اساس آیات قرآم کریم پرداخته می شود؛

الف) عدالت مبتنی بر حقوق

در بخش مقدمه گذشت که مفهوم عرفی عدالت رعایت حقوق و نفی ظلم است اما، مساله اصلی این است که در توزیع مواهب اجتماعی از نظر قرآن شریف چه مواردی حق و چه مواردی ناحق و ظلم تلقی می شود. به عبارت دیگر از نظر قرآن شریف در توزیع مواهب اجتماعی چه عواملی مربوط و موجه، و چه عواملی نامربوط و ناموجه تلقی می شود؟ برای یافتن پاسخ ابتدا مولفه های موثر بر توزیع را بررسی و سپس سعی می کنیم حقوق افراد را در مورد آن مولفه ها از منظر قرآن شریف کشف کنیم. بطور ساده ابتدا از عوامل موثر بر توزیع درآمد و ثروت آغاز می کنیم و سپس به توزیع سایر مواهب اجتماعی مانند آموزش، بهداشت و ... می پردازیم.

توزیع درآمد به توزیع و توانمندی های عوامل تولید بستگی دارد. در مورد نیروی کار توزیع درآمد به توزیع توانمندی های انسانی در کسب درآمد بستگی دارد. توانمندی های انسان در کسب درآمد به استعدادها ، آموزش ها، مهارت ها ، وضعیت جسمانی بویژه سلامت و تندرستی و مانند اینها بستگی دارد. در مورد سرمایه نیز توزیع به ثروت مربوط می شود که خود از طریق ارث ، الگو های پس انداز ، الگوهای رایج بین روابط زن و شوهر تعیین می شوند. بعلاوه روحیات، بلند همتی، نحوه نگرش و تمایل فرد به کسب درآمد، دانش ، مشارکت در فعالیت های اجتماعی و مانند اینها نیز در میزان برخورداری افراد از مواهب اجتماعی موثر است. گذشته از اینها تملک و تصرف منابع طبیعی مانند زمین ، مراتع، جنگل ها ، معادن ، رودخانه ها و دریاها و....از عوامل بسیار مهم چگونگی توزیع درآمد است. و سرانجام با مشخص بودن توزیع توانمندی های عوامل تولید توزیع به قیمت عوامل تولید نیز بستگی دارد که خود تابع ساختار بازار عوامل تولید و عوامل نهادی و هنجارهای اجتماعی مانند نوع قراردادها ، روابط اجتماعی و خویشاوندی، موقعیت اجتماعی، جنسیت، نژاد، .... است که این عوامل اخیر خود تابع هنجارها و روابط اجتماعی است. توزیع درآمد و ثروت که در نظام اقتصادی تحت تاثیر این عوامل شکل می گیرد گاهی بسیار نابرابر است و شکاف های عمیقی در برخورداری افراد از مواهب اجتماعی مشاهده می شود.

نحوه نگرش قرآن شریف نسبت به برخی از عوامل فوق کاملا روشن است. مواردی مانند ارث، مبادلات اقتصادی، روابط اجتماعی و اقتصادی بین افراد، و مانند اینها که دارای قوانین و حقوق متقابل مشخص است بدیهی است که اقتضای عدالت همان رعایت حقوق و عدم ظلم و تبعیض است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

الف.۱. منابع طبیعی

در مورد **منابع طبیعی** خداوند در قرآن می فرماید: «وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ» (الرحمن:۱۰)؛ « هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَکُمْ مَا فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً»(بقره:۲۹) که به معنی این است که انسان ها در ابتدا حق مساوی نسبت به استفاده از این منابع دارند. این حق مساوی در زمانی است که هیچ کسی روی منابع کاری انجام نداده است ولی برای انتظام امور اجتماع و جلوگیری از تعارض منافع ، بهره برداری و تملک منابع طبیعی تحت قوانین و مقررات خاصی قرار گرفته است. زمین و انواع آن ، انواع معادن ، آبهای طبیعی ، جنگلها ، مراتع ، منابع طبیعی آبی مانند آبزیان، خاکی مانند حیوانات و جانوران طبیعی ، پرندگان و... در تمام این موارد بهره برداری یا تملک آنها تحت قوانین و مقررات خاصی قرار گرفته است که اجرای عدالت مستلزم رعایت همه آن حقوق و مقررات است. قرآن شریف می فرماید:«یَسْأَلُونَکَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ فَاتَّقُوا الله» (الانفال:۱) بنابراین انتظام امور منابع طبیعی و اموال عمومی در اختیار پیامبر(صلی الله علیه و آله)، ائمه(علیهم السلام) و حاکم اسلامی است که براساس قوانین و مقررات اسلامی و مصالح مسلمین در مورد آن تصمیم گیری می کند. بنابراین به‌صورت خلاصه در مورد منابع طبیعی همه افراد حق برخورداری یکسانی دارند و سپس برخورداری آنان تحت تاثیر کار و تلاش آنان قرار می گیرد. با این حال حاکم اسلامی برای تنظیم روابط میان افراد و تنظیم نحوه بهره برداری از مواهب براساس مصالح کشور مقرراتی وضع می کند. اما در مواردی که قرار است توزیع براساس مصالح مسلمین باشد مصلحت با عدالت چه نسبتی پیدا می کند؟ در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

الف.۲. موقعیت ها و مناصب

در مورد **موقعیت ها و مناصب اجتماعی و اقتصادی** موضع قرآن شریف امکان استفاده برابر تمامی افرادی است که توان و شرایط کار در آن موارد را دارند. قرآن شریف با اعلام اینکه تمامی انسان ها نزد خداوند برابرند و همه آنها از یک زوج آفریده شده اند و تفاوت ها فقط جنبه های اعتباری دارد بر برخی هنجارها یا قوانین تبعیض آمیز اجتماعی مانند روابط تبعیض آمیز نژادی یا فامیلی خط بطلان کشیده است. « یَا أَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمُ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالاً کَثِیراً وَ نِسَاءً»(نساء:۱): ای مردم از پروردگارتان پروا دارید همان کسی که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را نیز از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری را پراکند؛ و نیز می فرماید:« یَا أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثَی وَ جَعَلْنَاکُمْ شُعُوباً وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاکُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِیمٌ خَبِیرٌ»(حجرات:۱۳): ای مردم شما را از مرد و زنی بیافریدیم و شما را ملت ملت، و قبیله قبیله گردانیدیم تا یکدیگر را بازشناسید. قرآن کریم با اعلام اینکه « وَ أَنْ لَیْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلاَّ مَا سَعَی»(نجم:۳۹) امتیازات نابجای نسبی و ... را مردود اعلام فرموده و وضعیت فرد را در گرو تلاش وی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

قرار داده است. پس از طرفی برابری بدون در نظر گرفتن تلاش و کار افراد ناعادلانه است و از طرف دیگر نابرابری ها و امتیازات اجتماعی جنسیتی، قومی، نژادی مردود اعلام شده است. بنابراین در بکار گرفتن افراد، و اشتغال در مناصب مختلف تنها باید توان کاری و مهارت افراد (تخصص) و امانتداری فرد ملاک عمل قرار گیرد. شواهد این امر به خوبی قرآن کریم قابل دسترس است:« يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِين»(قصص:۲۶)؛ « قَالَ عِفْرِيتٌ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَ إِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ »(نمل: ۳۹)؛ « قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»(یوسف ، ۵۵)؛

بنابراین برابری افراد برای دستیابی به موقعیت ها و مناصب اصل اولیه است و تنها ملاک برای گزینش، ملاک های مربوط به دانش و مهارت های لازم برای آن کار و امانتداری لازم (امین و حفیظ در آیات فوق) برای تصاحب آن موقعیت و منصب است و هر ملاک و هنجار نابجای دیگری که به این دو ویژگی ارتباطی ندارند مانند نژاد، جنسیت، روابط فامیلی و .... باید کنار گذاشته شود. امانتداری به ملاک های اخلاقی مورد نیاز برای آن حرفه اشاره دارد. این ملاک های اخلاقی در مشاغل مختلف به صورت های مختلفی مانند امانتداری در حفظ اموال ، عدم سوء استفاده از موقعیت ، اطلاعات شخصی خصوصی ، اطلاعات مالی شخصی ، اطلاعات مربوط به ویژگی های جسمی یا خلق و خوی فرد و ... ظهور می کند.

با ین حال دو نکته را باید یادآوری نمود. یکی اینکه ضوابط و معیارهای هر دو شرط تخصص (مهارت های مورد نیاز) و تعهد (ملاک های اخلاقی لازم) بر حسب مورد باید براساس نظرات کارشناسی و اهل خبره تعیین شود. برخی از این معیارها در طول زمان ممکن است بدلیل تغییر شرایط نیاز به تغییر داشته باشد که مجددا در فرآیندهای کارشناسی و اهل خبره تعیین خواهند شد. پس از تعیین ملاک ها تمام افراد بدون تبعیض و ترجیح ، فرصت برابر برای شرکت در رقابت برای اشغال مناصب را خواهند داشت. تشخیص واجد شرایط بودن براساس معیارهایی صورت می گیرد که منطقا و عقلا اطمینان بخش باشد نه براساس حدس و گمان . براساس فرهنگ قرآنی نمی توان با ظن و حدس وگمان در مورد افراد قضاوت کرد. خداوند می فرماید:« وَ لاَ تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولاً »(اسراء ، ۳۶)؛ «وَ إِنَّ الظَّنَّ لاَ يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً» (نجم:۲۸) و نیز « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات: ۱۲).

نکته دوم در مورد روابط فامیلی است . بدون تردید اصل برابری به معنای فوق در مورد مناصب و موقعیت های عمومی کاملا لازم است؛ اما اگر فردی در کارگاه خصوصی خودش بخواهد کارگری را بکار گیرد و تصمیم بگیرد آن کارگر را از میان فامیل خودش انتخاب کند هرچند در بین سایر افراد،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

فرد با مهارت بیشتری وجود داشته باشد یا در پرداخت دستمزد بخواهد به فامیل خودش مقداری اضافه بدهد بدون اینکه از حقوق دیگران کاسته باشد آیا چنین عملی از نظر قرآن ناعادلانه و بنابراین غیر مجاز است؟ قطعا چنین عملی ناعادلانه نیست، بلکه حتی می تواند بخشی از وظایف فرد در مورد رسیدگی به ارحام باشد. اما کاملا باید به این نکته توجه شود که فرد در حیطه اموال و دارایی‌های شخصی خود می تواند چنین عمل کند نه در قلمرو اموال عمومی و بیت المال. اما همین مساله می تواند تفاوت هایی را در برخورداری از مواهب اجتماعی بین مردم ایجاد کند. به عنوان مثال افرادی که در خانواده های ثروتمند متولد می شوند می توانند از آموزش، بهداشت و... مناسب تری برخودار باشند و حتی در نتیجه از درآمد و ثروت بیشتری نیز بهره‌مند شوند. آیا این تفاوت ها پذیرفته شده است یا دولت اسلامی در این موارد مسئولیتی دارد؟ در این مورد در ادامه بحث خواهیم کرد.

الف.۳. قراردادها

قرآن شریف **قراردادها** را لازم الاجرا می داند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»(مائده:۱)؛ « وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولاً»(اسراء ۳۴)؛ در عین حال، هم بعضی از قراردادها را مردود اعلام فرموده است مانند ربا (أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا(بقره:۲۷۵)) و هم برای قراردادها شرایطی عمومی قائل است که از مهمترین آنها از روی اراده آزاد و اختیار بودن قرارداد است؛ « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لاَ تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلاَّ أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ»(نساء ۲۹). می توان آیه شریفه ۲۸۲ سوره بقره را که در مورد دین است، مشیر به نوعی عدالت رویه ای تلقی کرد. خداوند متعال می فرماید اگر معامله ای انجام می دهید آن را ثبت کنید هرچند اگر معامله نقدی را ثبت نکردید مرتکب اشتباه نابخشودنی نشده اید. سپس می فرماید متن قرارداد را شخص سومی بنویسد ولی کسی که حق بر عهده اوست متن را املا کند. بدلیل اینکه اگر بدهکار خود آن را املا کرد در واقع خود دین را قبول کرده و با اطمینان خاطر آن را امضاء کرده و می پذیرد. بعلاوه ممکن است طرفین مبادله در اینجا در شرایط برابر نباشند، زیرا گاهی بدهکار در شرایط اضطرار قرار دارد. در این شرایط طرف قرارداد یعنی قرض دهنده در وضعیت برتر قرار دارد و اگر متن نسبتا غیر منصفانه ای را تنظیم کند ممکن است بدهکار نیز از سرناچاری بپذیرد ، لذا حق املا به بدهکار داده شده است. با این حال خداوند تاکید می کند که در املا و در نوشتن متوجه نظارت خداوند باشید. در عین حال خداوند توصیه می فرماید که دو شاهد عادل نیز این قرار داد را امضاء کنند. این آیه شریفه راهنمای بسیار خوبی برای عدالت رویه ای در تنظیم نهادهای اجتماعی است به گونه ای که انتظار داشته باشیم که قراردادها نیز عادلانه باشند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

الف.۴. بازار و قیمت عوامل

اما مساله **قیمت عوامل** که به ساختار بازارها بستگی دارد. اصولا براساس فرهنگ اسلامی در شریعت قیمت بازار اسلامی پذیرفته شده است. بنابراین مساله اصلی این است که ویژگی های بازار اسلامی را بشناسیم. بازار اسلامی بازاری است که تمام احکام و ارزش های اسلامی توسط شرکت کنندگان در بازار اعم از خریداران و فروشندگان مورد احترام و رعایت قرار گیرد. بنابراین عدم اجبار، فریب، غش، احتکار، ربا، کم فروشی، ... و آگاهی طرفین مبادله از کمیت و کیفیت موضوع مبادله، قیمت، شرایط مبادله، در کنار وجود خیارات (خیار مجلس، رویت، عیب، غبن، غش، شرط، ...) و توصیه های اخلاقی اسلام به خریدار و فروشنده و تمامی شرکت کنندگان در بازار به رعایت انصاف و اخلاق از جمله شرایط بازار اسلامی است. انتظار می رود که با رعایت تمامی احکام و ارزش های اسلامی توسط تمامی شرکت کنندگان در بازار مبادلات در شرایط عادلانه و منصفانه ای انجام شود. بنابراین معیار عدالت در اینجا همان رعایت حقوق و عدم ظلم و تبعیض است.

به هر حال از یکسو تلاش، روحیات، بلند همتی و استعدادهای انسان ها متفاوت است و از دیگر سو چنانکه گفته شد، خود تخصص و تاحدودی هم تعهد که ملاک اشغال مناصب اجتماعی است، تحت تاثیر درآمد و پایگاه اجتماعی فرد است. افراد با درآمد کم ممکن است حتی امکان داشتن آموزش و کسب مهارت را نیز نداشته باشند تا بتوانند در مسابقه و رقابت آزاد برای دستیابی به مناصب و کارها شرکت کنند. گاهی افراد کم درآمد به ناهنجاری های اخلاقی مبتلا می شوند. حدیث نبوی که «لَولا رَحمَةُ رَبّی عَلی فُقَراءِ اُمَّتی ، کادَ الفَقرُ یَکونُ کُفرا» (محمدی ری شهری:۱۳۷۹، ج ۹، ۱۶۸، روایت ۱۶۱۴۲) به همین معنا اشاره دارد. علاوه بر اینها شرایط جسمی، تندرستی و سلامت افراد نیز بر کسب تخصص و میزان درآمد افراد مؤثر است. بدیهی است این عوامل در برخورداری افراد از مواهب اجتماعی موثر است و از این رو پدید آمدن نابرابری در جامعه مورد انتظار خواهد بود.

الف.۵. عدالت و نابرابری های موجود

آیا این نابرابری ها ظلم و ناعادلانه تلقی می شود؟ بدیهی است که اگر وضعیت نامناسب درآمدی ناشی از عدم تلاش، بی مسئولیتی و بی تدبیری فرد باشد فقط خود فرد در مقابل آن مسئول است و ظلمی از ناحیه جامعه یا دیگران اتفاق نیفتاده است. قرآن شریف می فرماید: « وَ أَنْ لَیْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلاَّ مَا سَعَی»(نجم:۳۹)؛ «وَ مَا یَسْتَوِی الْأَعْمَی وَ الْبَصِیرُ»(فاطر: ۱۹)؛ «یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لاَ یَعْلَمُونَ إِنَّمَا یَتَذَکَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۹). بنابراین افراد مسئول وضعیت درآمدی خود هستند مگر اینکه وضعیت نامناسب آنها ناشی از ظلم و تعدی به حقوق آنان باشد که اقتضای عدالت رفع ظلم و استیفای حقوق آنان است و یا بطورکلی وضعیت نامناسب آنان ناشی از حوزه مسئولیتشان نبوده و آنان در رخداد این وضعیت اختیاری نداشته باشند، مانند ناتوانان جسمی، ذهنی، فرزندان خانواده

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

های فقیر، که در اینصورت نیز این وضعیت نامناسب عادلانه تلقی نمی شود و رفع این مشکل یا در حوزه مسئولیت برخی افراد و یا جامعه قرار می گیرد که در مباحث آتی روشن خواهد شد.

اما در مورد نابرابری هایی که ناشی از اختیار فرد نیست و وضعیت نامناسب افراد به حوزه مسئولیت خودشان برنمی گردد بلکه ناشی از فقدان شرایط و امکانات و فرصتهای اولیه مانند سلامت، بهداشت، مهارت و آموزش برای ورود در مسابقه فعالیت های اجتماعی است آیا تامین حدی از امکانات برای تمامی افراد لازم است تا همه افراد با شرایط نسبتا یکسانی در مسابقه شرکت کنند؟ چنانکه اشاره شد بدون تردید قرآن شریف تبعیض های ناروای طبقاتی را مردود اعلام کرده است. در برخی دوران ها و جوامع و حتی در اوان بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جوامعی مانند ایران آن زمان تحصیل دانش منحصر به طبقه اشراف بود . اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با برانگیختن تمام مردم به کسب دانش و فریضه اعلام کردن طلب علم و دانش این انحصار را مردود اعلام فرمودند (محمدی ری شهری:۱۳۷۹، ج۸، ص ۲۸، روایات، ۱۳۸۶۶ تا ۱۳۸۷۰، و ص ۴۵، روایات، ۱۳۹۵۸ تا ۱۳۹۶۱).

الف.۶. حقوق عادلانه

اگر مردم و نهادهای اجتماعی حقوق را رعایت کنند عدالت رعایت شده است. اما مسأله دیگری نیز وجود دارد که آیا خود این حقوق عادلانه که قوانین اجتماعی را ترسیم می کند نباید عادلانه باشد؟ آیا عدالت صرفا پسینی و در مرحله رعایت حقوق است و اصلا عدالت در مرحله تنظیم حقوق مطرح نیست و بی معنا است؟ پاسخ به این پرسش ها مستلزم بررسی چند مسأله است، منشاء حقوق چیست؟ آیا این حقوق مثبت هستند یا منفی؟ آیا با رعایت حقوق نتیجه هرچه باشد عادلانه تلقی می شود؟ در واقع پاسخ تمامی این موارد در عدالت سیستمی متجلی می شود.

الف.۷. منشاء حقوق

در باره اینکه چه چیزی منشاء حق می شود و خاستگاه حقوق چیست ، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. دیدگاه حقوق طبیعی که منشاء حقوق را طبیعت می شمارد و دیدگاه حقوق قراردادی که منشاء حقوق را صرفا قرارداد تلقی می کند ، دو دیدگاه مهم و نسبتا پرنفوذ در این زمینه است. هرچند در مورد این دیدگاه ها در بین فیلسوفان مغرب زمین از گذشته تا حال مباحث بسیاری مطرح شده است اما از بیان آنها خودداری و فقط به آراء برخی از متفکران مسلمان معاصر در این زمینه اشاره می کنیم.

از مباحث شهید مطهری استنباط می شود که وی منشاء حقوق را طبیعت و فطرت می داند. وی عدالت را مبتنی بر حق و حقوق را منبعث از طبیعت و فطرت می شمارند (مطهری:۱۳۶۸، ج ۱۳ ، ۸۲۲). از نظر ایشان از آنجا که طبق دیدگاه اسلامی طبیعت هدفدار است ، در فطرت هر موجودی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

چنان استعدادها و استحقاق هایی قرار داده شده است که بصورت طبیعی سازگار با هدف غایی آن موجود باشد و او را به سمت آن راهنمایی کند. بنابراین حقوق طبیعی بشر و انسان همان استعدادها و استحقاق های فطری بشر است که اگر بخوبی استیفا شود او را به کمال و سعادت انسانی راهنمایی می کند (همان، ج ۱۹ ، ۱۵۸-۱۶۲).

ایشان با استناد به آیۀ شریفۀ ۲۹ از سورۀ بقرۀ، حق استفاده از مواهب الهی در طبیعت را متعلق به همه می دانند و صرف انجام کار اضافی روی آنها را موجب ایجاد مالکیت تام ندانسته و انجام فعل اضافی را زمینه ساز حق اولویت نسبت به سایرین بیان می کنند. در اجتماع، هر فرد مطابق با استعداد و توان خود باید تلاش کند و از سوی دیگر، حقی که اجتماع برای افراد باید قائل باشد باید با کاری که آزادانه یا بالاجبار در اجتماع انجام می‌دهد، متناسب باشد. به این ترتیب کسی حق ندارد خود را به طور تمام و کمال مالک مواهب الهی و یا کار خود بداند چرا که او در قوای جسمی و روحی خود مدیون اجتماع است. آن قوا و نیروها تنها مال خود او نیست، اجتماع در خود آنها و در محصول این نیروها نیز ذی حق است (همان، ج۲۰، ۴۳۵-۴۳۲).

در مقابل برخی از دانشمندان حقوق طبیعی یا فطری را انکار کرده و منشاء حقوق را خداوند متعال می دانند (مصباح یزدی: ۱۳۸۲، ۱۰۹-۱۶۸). دلیل عقلی این دیدگاه این است که اثبات و اعطاء حق مبتنی بر داشتن نوعی مالکیت یا سلطه است. از آنجا که مالکیت و سلطنت حقیقی تنها از آن خداوند است بنابر این منشاء تمام حقوق به حق خداوند برمی گردد (همان، ۱۱۵). دلایل نقلی موید این دیدگاه نیز وجود دارد. حضرت سجاد علیه السلام در رساله حقوق می فرماید بزرگترین حقوق حقی است که خداوند برای خودش بر انسان قرار داده است و این اساس همه حقوق است و سایر حقوق متفرع براین حقند (مجلسی: ۱۳۸۵، ج۷۴ ، ۱۰). همچنین حضرت علی علیه السلام در خطبه ۲۰۷ نهج البلاغه می فرماید: حق خداوند بر بندگان اطاعت بندگان است و خداوند نیز در مقابل به بندگان با فضل خود پاداش می دهد. سپس می فرماید خداوند متعال برخی از حقوق خود را برای بعضی از مردم و بر علیه برخی دیگر واجب فرمود که بزرگترین آن حق والی و حاکم بر مردم و حق مردم بر والی است. بنابراین سایر حقوق نیز منبعث از همان حق خدای متعال است.

البته هنوز مساله کاملا حل نشده است زیرا سئوال این است که خداوند متعال حقوق را براساس چه ملاک و معیاری اعطا می فرمایند. قطعا اعطاء حقوق از جانب خداوند بدون مبنا و غیر حکیمانه نیست. پاسخ این است که خداوند حکیم به هر موجودی به مقتضای خلقت و فطرتش چنان حقوقی را اعطا می فرماید که رعایت آنها او را به کمال حقیقی آن می رساند (همان، ۱۲۹-۱۳۱). بنابراین اصل حق حیات، آزادی، مسکن، تغذیه و مانند اینها همان حقوقی است که خداوند فی الجمله به

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

انسان عنایت فرموده است تا بتواند به کمال حقیقی خود که همان تقرب الی الله است برسد. اما حد و حدود این حقوق البته در اختیار خداوند متعال است که در قوانین تفصیلی شریعت بیان می‌شود. هرچند ظاهرا این دو دیدگاه با هم متفاوتند ولی می توان این دو دیدگاه را به هم نزدیک کرد. حقوق فطری و طبیعی در دیدگاه شهید مطهری همان حقوقی است که خداوند حکیم به اقتضای خلقت و فطرت هر موجودی اعطا می فرمایند که رعایت آنها موجب نیل به کمال حقیقی آنها خواهد شد. به عبارت دیگر آیا خداوند حقوق را عادلانه به مخلوقات اعطا می فرماید؟ بدون تردید خداوند عادل حقوق را عادلانه اعطا می فرماید که اقتضای عدالت در اینجا در نظر گرفتن همان حقوق پیشین مخلوقات یعنی استعدادهای آنها است که خداوند آنها را به مقتضای کمال حقیقی آنها به مخلوقات اعطا فرموده است.

به هرحال انسان ها دارای زندگی اجتماعی هستند و در چارچوب زندگی اجتماعی کمال خود را تعقیب می کنند و در پرتو زندگی اجتماعی به کمال خواهند رسید. پس حقوق پیشین باید بگونه ای در چارچوب روابط و نهادهای اجتماعی منعکس شود. بنابراین در جامعه نیازمند معیارهایی هستیم که تضمین کننده حقوق پیشین انسان ها در صحنه روابط اجتماعی باشد. این معیارها همان حقوق و قوانینی است که خداوند از طریق پیامبران و ائمه معصومین برای تنظیم امور زندگی دنیوی و اخروی انسان ها ارائه فرموده است. بنابراین در موضوع مورد بحث یعنی عدالت اقتصادی و اجتماعی این حقوق در احکام و حدودی که پیشتر گفته شد متجلی می شود. با این وجود، در تنظیم روابط و نهادهای اجتماعی و مقرراتی که برای برخورداری از مواهب اجتماعی در اختیار حاکم اسلامی است همواره باید مراقب حفظ حقوق پیشین انسان ها باشیم. این مراقبت مستلزم این است که برای تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی غیر از معیارهای پیشگفته مانند کار، نفی تبعیض های جنسیتی، نژادی، قومی و.... یعنی رعایت حقوق فردی افراد و نفی ظلم و تبعیض در روابط افراد، باید مراقب نتیجه نهایی نیز باشیم. به عبارت دیگر با رعایت حقوق فردی و نفی ظلم و تبعیض در روابط افراد در جامعه لزوما حقوق پیشین انسان ها تأمین و تضمین نمی شود و نیاز به معیار دیگری است.

الف.۸. حقوق سلبی و ایجابی

حق و تکلیف لازم و ملزوم یکدیگرند. معمولا هر حقی ملازم با تکلیفی خاص خواهد بود. معمولا حق برای ذی حق امتیازی ایجاد می کند و در مقابل دیگران تکلیف دارند که به حق او احترام بگذارند و به آن تعدی و تجاوز نکنند. البته در برخی موارد حق ملازم با تکلیفی منفی و سلبی و گاهی ملازم با تکلیفی مثبت و ایجابی است. حقوق منفی به معنی آن است که داشتن حقی برای یک فرد تکلیفی منفی و سلبی برای دیگران ایجاد می کند یعنی دیگران را از هر گونه دخالت و ممانعت در مورد آن حق باز می دارد. در واقع رعایت آن حق به همین عدم تجاوز و تعدی به آن است. بنابراین به عنوان

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

مثال حق آموزش به معنی این است که هیچکس حق ندارد در مسیر کسب آموزش فرد مانع قانونی یا غیر قانونی ایجاد کند. لذا اگر فرد بدلایلی مثل نداشتن تمکن مالی نتوانست از آموزش برخوردار شود کسی حق فرد را نقض نکرده است.

حقوق مثبت به معنی این است که داشتن حقی برای فرد تکلیفی ایجابی برای دیگران ایجاد می کند. لذا برای دیگران مسئولیت ایجاد می کند که نه تنها مانع احقاق حق او نشوند بلکه آنها باید اقداماتی ایجابی نیز انجام دهند که امکان استفاده فرد از آن حق فراهم شود. در این صورت با فرض اینکه حق داشتن آموزش حقی مثبت باشد، اگر کودکی در خانواده ای فقیر متولد شده است و نمی تواند از آموزش و تحصیلات برخوردار شود در اینصورت دیگران مسئول اند که بصورتی امکان تحصیل او را فراهم آورند.

در بین فیلسوفان معاصر مغرب زمین در مورد مثبت یا منفی بودن حقوق مباحث فراوان و اختلافاتی وجود دارد که خارج از بحث فعلی است. اما در مورد بحث فعلی آیا از نظر قرآن شریف برپایی عدالت صرفا در گرو حق برابر افراد برای برخورداری از آموزش و سلامت و... است هر چند بدلایلی که خارج از حوزه مسئولیت افراد است آنان نتوانند از این حق استفاده کنند؟ به عبارت دیگر آیا حقی که براساس نگرش قرآنی اساس عدالت است حق منفی است یا مثبت؟

براساس برخی از آیات قرآن می توان استنتاج کرد که اجمالا تمام حقوق مورد نظر حقوق منفی نیستند و حقوق مثبتی نیز به رسمیت شناخته شده است. قرآن کریم می فرماید: «وَ فِی أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ»(ذاریات:۱۹)؛ «وَ الَّذِینَ فِی أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ»(معارج: ۲۴-۲۵) ، «وَ آتِ ذَا الْقُرْبَی حَقَّهُ وَ الْمِسْکِینَ وَ ابْنَ السَّبِیلِ وَ لاَ تُبَذِّرْ تَبْذِیراً »(اسراء: ۲۶)؛ «فَآتِ ذَا الْقُرْبَی حَقَّهُ وَ الْمِسْکِینَ وَ ابْنَ السَّبِیلِ ذلِکَ خَیْرٌ لِلَّذِینَ یُرِیدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (روم: ۳۸). در تفاسیر در مورد اینکه این حقوق همان موارد واجب مانند زکات، خمس و مانند اینها است یا حقوق دیگری غیر از واجبات است مباحثی وجود دارد که از ورود در آنها صرفنظر می شود. اما از آنجا که بخشی از این حقوق واجب برای رفع فقر و محرومیت اختصاص داده شده است نشان دهنده رویکرد قرآن به حق فقرا و محرومین است. اگر مانند رویکرد لیبرترین ها این حقوق صرفا حقوق منفی بودند این اقدامات مثبت یعنی اخذ بخشی از اموال اغنیاء بصورت زکات و خمس و اختصاص آنها برای رفع فقر و محرومیت معنایی نداشت. بنابراین اجمالا می توان استنباط کرد که این حقوق منفی نیستند. اما اینکه دامنه تکلیف افراد چقدر است ظاهرا از آیات مشخص نمی شود. براساس کتاب و سنت و فقه شیعه افراد در مقابل فقرا مسئولیت دارند. این مسئولیت ابتدا متوجه اقارب است و اگر اقارب خود نیز نیازمند باشند و یا نتوانند از عهده نیاز آنان برآیند تکلیف متوجه دیگران می شود. قدر متیقن تکلیف افراد رفع فقر مطلق و ضروریات فقرا است. اما رفع فقر نسبی و بیشتر از ضروریات برعهده

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

حکومت اسلامی است که با توجه به امکانات و با رعایت اولویت ها نسبت به انجام آن اقدام کند. از نظر اسلام، دولت در برابر تأمین معیشت مردم ضامن بوده و باید برای آنها زمینهٔ کار و نشاط اقتصادی را فراهم ساخته و از افراد کم توان و نا توان حمایت کند؛ این مسئولیت دولت، هیچ گاه مسئولیت رعایت حقوق برادری را تضعیف نکرده کوتاهی در آن موجب عذاب الهی است (الصدر، ۱۴۰۸ق، ۶۹۷-۷۰۵).

ب. عدالت سیستمی

مفهوم دومی که از عدالت در قرآن کریم به چشم می خورد عدالت به معنای به معنای تمامیت و کمال یک سیستم است. همانطور که رعایت حقوق در واقع عدالت ورزی در مرحله عمل و اجرا مهم است، نفس عادلانه بودن حقوق در مرحله وضع و جعل نیز بسیار مهم و حیاتی است. در اینجا با معنی سیستمی عدالت مواجه می شویم. منظور از عدالت سیستمی آن است که روابط و حقوق باید بگونه ای تنظیم شود که اجزاء به کمال و غایت حقیقی خود دست یابند و البته از این مسیر کل سیستم نیز در وضعیت بهینه قرار گیرد. این مفهوم عدالت مستلزم توازن، تعادل و هماهنگی بین مجموعه اجزای یک نظام است؛ به طوری که موجب می‌شود نظام به بهترین صورت به اهداف خود دست یابد. با این حال اگر در عمل تزاحم هایی بین اجزاء ایجاد شد و یا در عمل بدلیل عدم رعایت دقیق موازین و یا .... مشکلاتی ایجاد شد و جامعه با وضعیت هایی مواجه شد که با وضعیت بهینه سیستم در تعارض است قطعا باید اقداماتی صورت گیرد. این بدین معنا است که وضعیت نهایی نیز مورد توجه قرار می گیرد. از این رو برخی اندیشمندان با تمسک به آیه فیء (حشر ، ۷) و تعلیل مذکور در آن (کی لایکون دوله بین الاغنیاء منکم) ایجاد نوعی برابری و توازن اجتماعی را یکی از پایه های عدالت اجتماعی در اسلام تلقی کرده اند.

به عبارت دیگر عدالت در چند سطح قابل تصور است. سطح اول همان رعایت حقوق است که در واقع اجرای عدالت است. اما تحقق عدالت مستلزم آن است که خود حقوق عادلانه باشند این سطح از عدالت حتی مقدم بر سطح قبلی است. بدون ورود به مباحث فراوانی که وجود دارد فقط به دیدگاه اندیشمندان مسلمان اشاره می‌شود که براساس آن حقوق عادلانه حقوقی است که رسیدن به کمال انسانی را برای انسان ها امکان پذیر می‌سازد. از این رو در آیه ۲۵ سوره حدید که هدف از ارسال پیامبران پرپایی قسط توسط مردم ذکر شده است می فرماید ما پیامبران خود را با نشانه های آشکار فرستادیم و به آنان کتاب و میزان نیز دادیم تا مردم قیام به قسط کنند . برپایی قسط از سوی مردم مستلزم دانستن حقوق است به همین دلیل در آیه شریفه این امر بر ارسال رسل و کتاب و میزان- که در برخی تفاسیر به امام تفسیر شده- مترتب شده است(قمی:۱۳۶۷، ج۲، ص: ۳۵۲). بنابراین معیارهای قسط و عدل که همانا موارد حق و ظلم است در کتاب و سنت ارائه شده است. به هر حال

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

در این حالت کنش عادلانه یا فرد عادل است در صورتیکه موجب نقض حقوق نباشد. در این حالت عادلانه وصف فعل ارادی یا خود فاعل است. در مقابل گاهی عدالت بعنوان وصف یک وضعیت اجتماعی و یا یک نظام اجتماعی بکار می‌رود. در این حالت عادلانه بودن به معنی تمامیت و کمال یک سیستم است مانند کلمه عدل در آیه شریفه:«وَ تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّکَ صِدْقاً وَ عَدْلاً لا مُبَدِّلَ لِکَلِماتِهِ وَ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیم۱»(انعام:۱۱۵) طبق برخی از تفاسیر (ر.ک: عیاشی: ۱۳۸۰،ج۱، ۳۷۴، ابن عاشور: بی تا، ج۷، ۱۵، مکارم شیرازی:۱۳۷۴، ج۵، ۴۱۲) و آیه شریفه: «الَّذی خَلَقَکَ فَسَوَّاکَ فَعَدَلَک۲» (انفطار:۷) که عدل در معنای تمامیت سیستم بدن انسان بکار رفته است. در این معنا از عدالت بقاء، پایداری و کارآمدی سیستم در رسیدن به هدف مستلزم نوعی هماهنگی بین اجزاء آن است. در چنین شرایطی ممکن است مصلحت عمومی سیستم اقتضا کند که گاهی از بعضی از حقوق صرفنظر شود، مانند زمانی که بقاء حیات انسان ممکن است اقتضا کند که از برخی از اجزاء بدن انسان صرفنظر شود. به بیان استاد شهید مطهری در عدل به این معنا مصلحت کل مطرح است (مطهری: ۱۳۶۸، ج۱، ۷۸ - ۸۰). شاید بتوان گفت که در این صورت عدالت به معنای وضع الشی فی موضعه است وموضع مناسب هر چیز چنان معین می‌شود که سیستم به بهترین صورت به هدف برسد. بنابراین اگر در معنای اول عدالت بر رعایت حقوق استوار است، در مرحله پیشین و در مرحله وضع حقوق عدالت مستلزم آن است که حقوق بگونه ای وضع شوند که هم اجزاء سیستم و هم کل سیستم به بهترین صورت به هدف غایی خود برسند. بنابراین خداوند متعال حقوق را بگونه ای وضع فرموده است که با رعایت آنها سعادت دنیوی و اخروی انسان ها و جوامع تامین شود.

۴. جمع‌بندی

* برای سنجش عدالت در مواهب اقتصادی، مانند درآمد، ثروت، امتیازات مالیاتی و... از اصول و معیارهای «عدالت اقتصادی» استفاده می شود که در این پژوهش به عدالت اقتصادی از جنبه توزیع منصفانه و عادلانه مواهب اجتماعی (و نه صرفا مواهب اقتصادی) بین مردم پرداخته شده است.

*دیدگاه های گوناگونی نسبت به عدالت اقتصادی در نزد برابری گرایان، لیبرالیسم فایده گرا، لیبرالیسم قراردادگرا، لیبرترینیسم یا لیبرالیسم اختیارگرا و جامعه گرایی وجود دارد که هر یک دارای حدود و صغور و قدرت نفوذ خاص خود در سطح جوامع بشری است و تقریبا تمامی آنها بر اساس مبانی مادیگرایی و لذت گرایی فردی و یا اجتماعی بنا نهاده شده است.

---

۱ -و گفتار پروردگارت از روی راستی به انجام رسید،کلمات وی تغییر پذیر نیست که او شنوا و داناست.

۲ -پروردگاری که تو را آفریده و پرداخته و تناسب داده.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

*عدالت اقتصادی تابع عوامل متعددی چون توزیع درآمد، توزیع توانمندی های انسانی، استعدادها، آموزش ها، مهارت ها و....است که توضیح آن گذشت اما در این میان قرآن کریم موضع صریحی نسبت به برخی از مصادیق دارد به عنوان مثال در مورد منابع طبیعی، همه افراد حق برخورداری یکسانی دارند و از آن پس برخورداری از منابع، تحت تاثیر کار و کوشش آنان قرار می گیرد، ضمن آنکه حاکم اسلامی برای تنظیم روابط میان افراد و تنظیم نحوه بهره برداری از مواهب براساس مصالح کشور مقرراتی وضع می کند.

*در حوزه برخورداری از مناصب اولیه در منابع عمومی، تنها ملاک برای گزینش، ملاک های مقبول، علم و مهارت های لازم برای کار مورد نظر و امانتداری لازم است و هر ملاک و هنجار نابجای دیگری که به این دو ویژگی ارتباطی ندارند.

*آموزه های قرآنی تأکید خاصی بر نحوه اجرای عدالت و کیفت آن دارند که در ضمن مراعات تمامی شرایط مکانی و زمانی، با توجه به مقتضیات جسمی، جنسیتی و سایر قیود که باید مورد توجه قرار گیرد، در موقعیت های یکسان، برابری در امکانات اولیه برای فراهم ساختن امکان برابر شکوفایی همه استعدادها فراهم گردد.

* عدالت اقتصادی در قرآن کریم را می توان در دو محور اساسی تقسیم کرد. نخست تعابیر متعددی از عدالت ورزی که بعنوان «امری مطلوب» بکار رفته است و خدای متعال از انسان ها آن را طلب می کند و دوم عدالتی است که در مفهوم وجودی بعنوان وصفی برای نظام هستی و خلقت، وجود قوام و هماهنگی در نظام آفرینش بکار رفته است. از دسته نخست می توان به «عدالت مبتنی بر حقوق» و از دسته دوم با عبارت «عدالت سیستمی» تعبیر کرد.

*دو دیدگاه غالب در مورد منشأ حقوق در میان اندیشمندان اسلامی وجود دارد که یکی آن را ناشی از طبیعت و فطرت دیگری ناشی از خدای سبحان می داند اما می توان این دو دیدگاه را به هم نزدیک کرد به نحوی که حقوق فطری و طبیعی در دیدگاه اول، همان حقوقی است که خداوند سبحان به اقتضای خلقت و فطرت هر موجودی عنایت می فرمایند که رعایت آنها سبب نیل به کمال حقیقی آنها خواهد شد. در هر صورت، خداوند از طریق پیامبران و ائمه معصومین برای تنظیم امور بشر، حقوق پیشینی را در قالب حقوق و قوانینی دینی وضع و ابلاغ فرموده است که در وهله عمل لازم الالتزام است؛ حوزه عدالت اقتصادی نیز به عنوان حوزه ای که تضمین کننده حقوق افراد در جامعه است، از این قاعده مستثن نیست و تک تک افراد و نیز دولت ها هر یک به فراخور خود در قبال تأمین آن مسئول اند و باید بدان عمل کنند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

منابع

۱. قرآن کریم

۲. ابن عاشور محمد بن طاهر (بی تا)، التحریر و التنویر، موسسه التاریخ العربی، بیروت.

۳. ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴)، معجم مقائیس اللغۀ، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۴. پارسائیان، محمد (۱۴۰۰)؛ رابطه توسعه اقتصادی و عدالت اقتصادی از منظر قرآن، پژوهش های میان رشته‌ای قرآن کریم، ش۱، ص ۹۹ تا ۱۲۰.

۵. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰)، صحاح العربیۀ، بیروت، دار العلم للملایین، اول.

۶. حلّی، مقداد بن عبد اللّه سیوری (۱۴۲۵)، کنز العرفان فی فقه القرآن، قم، انتشارات مرتضوی، اول.

۷. خمینی(ره) روح الله (۱۳۸۷)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)،تهران،سوم.

۸. رجایی، سید محمد کاظم، (۱۳۹۹) ؛ الگوی توزیع درآمد و ثروت از منظر تفسیر قرآن، مطالعات تفسیری، شماره ۴۲، از ۲۰۱ تا ۲۲۴.

۹. سیدنورانی, سیدمحمدرضا, خاندوزی, سیداحسان. (۱۳۹۰). نظام نامه حقوق اقتصادی در قرآن کریم. اقتصاد اسلامی, ۱۱(۴۲), ۲۹-۵۸.

۱۰.سید رضی (۱۴۱۴)، نهج البلاغۀ، قم، انتشارات هجرت.

۱۱.صاحب بن عباد، کافی الکفاۀ، اسماعیل بن عباد(۱۴۱۴)، المحیط فی اللغۀ، بیروت، عالم الکتاب، اول.

۱۲.الصدر، محمد باقر (۱۴۰۸)، اقتصادنا، المجمع العلمی للشهید الصدر، الطبعه الثانیه.

۱۳.عربی سید هادی، (۱۳۹۵) نظریات عدالت توزیعی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۴.عیاشی محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران.

۱۵.فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، کتاب العین، قم، نشر هجرت، دوم.

۱۶.فرهنگ شیعه، جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶)، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، قم، زمزم هدایت، دوم.

۱۷.قمی علی بن ابراهیم (۱۳۷۶)، تفسیر قمی، قم، دار الکتاب، چهارم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

۱۸.مجلسی، محمّدباقربن‌محمّدتقی (۱۳۸۵)، بحار الأنوار لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران، اسلامیه.
۱۹.محمدنژادچاوشی، حبیب؛ خسروپناه، عبدالحسین ؛ پورعزت، علی اصغر؛ (۱۳۹۳)، وسعت معنایی عدالت در قرآن، مطالعات تفسیری »، شماره ۱۷ از ۴۹ تا ۷۴.
۲۰.محمدی ری شهری، محمد(۱۳۷۹)؛ میزان الحکمه (ترجمه فارسی) ، ترجمه حمید رضا شیخی، انتشارات دارالحدیث، قم، دوم.
۲۱.مصباح یزدی،(۱۳۸۲) نظریه حقوقی اسلام، نگارش محمد مهدی نادری قمی، محمد مهدی کریمی نیا، قم: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۲.مطهری مرتضی (۱۳۶۸)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری(ره)، ج ۱، ج۱۳، ج ۲۱، قم، صدرا.
۲۳.مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، اول.
۲۴.هولمز، رابرت ال.(۱۳۸۲)، مبانی فلسفه اخلاق، مسعود علیا، انتشارات ققنوس، تهران.
25. Sterba, James P.(1992), Justice: Alternative Political Perspective, Ed. By J. P. Sterba, 2th ed. Wadsworth Publishing Company, USA.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]